

## علم نافع و تدین اخلاقی دو بال تکوین تمدن نوین اسلامی

فرامرز قاسمی<sup>۱</sup>، حسین عساریان نژاد<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۸/۹

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۹/۲۵

### چکیده

بررسی و تحلیل تمدن‌های قدیم و جدید نشان می‌دهد که هیچ‌گاه نمی‌توان تمدنی را در عرصه تاریخ، تمدنی عمیق و ماندگار برشمرد که خود را فارغ از علم و پیشرفت نافع و تدینی عمیق و اخلاقی در نزد مخاطبان خود بداند. علم نافع پدیده‌ای است که می‌تواند با محصولاتی مفید و مؤثر، بیشترین سطح جذابیت را در جامعه فراهم و تولید ثروت و نام‌آوری جهانی مخترعین و مکتشفین خود را نهادینه کند، و توحید محوری دینی این‌که در تطابق با فطرت انسانی او را در سه امر حق‌جویی، خیرخواهی و نفی ستم‌یآوری کرده و موجب می‌شود تا ایثار و جان‌فشانی او، پشتیبانی از غنای یک تمدن و فرهنگ مقوم آن قلمداد شود. سؤال اصلی این مقاله به این نکته توجه کلیدی داشته و به دنبال آن است که با ترکیب دو اصل علم نافع و دین توحیدی در سیر تکوین تمدن نوین اسلامی چگونه می‌توان موجبات هم‌افزایی و اعتلای تمدنی را فراهم و تدین اخلاقی چه کارکردی را در این ترکیب ایفا می‌کند؟ فرض بر آن است که علم نافع و دین توحیدی و تدین اخلاقی فراهم‌ساز بستر تمدن نوین در جامعه امروز و فردای بشر می‌باشد. این تحقیق با استفاده از روش «تاثیرمقاطع» در آینده‌نگاری انجام شده و در نتیجه می‌تواند مشخص نماید که سه روند زمان، منبع تولید و مدیریت بهره‌وری در دو حوزه علم نافع و تدین اخلاقی در صورت تقاطع با یکدیگر در دو راستای خیر و شر موجب ظهور، رقابت و رویارویی دو تمدن مادی و دینی شده که در صورت هدایت، انطباق، هم‌راستایی و هم‌افزایی شاخص‌های علم و دین می‌تواند به تولد تمدنی نوین در آینده‌ای نزدیک منجر گردد.

**کلیدواژه‌ها:** علم نافع، تدین اخلاقی، تمدن نوین اسلامی، آینده‌نگاری، توحیدمحوری

۱- دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی فرهنگی دانشگاه عالی دفاع ملی و نویسنده مسئول

۲- دانشیار دانشگاه عالی دفاع ملی

## مقدمه

در طول تاریخ تمدن‌های گوناگونی ظهور و انحطاط یافته‌اند، پیدایش تمدن‌ها به عوامل مختلفی بستگی دارد که مهم‌ترین ریشه شکل‌گیری آن‌ها را ادیان توحیدی می‌دانند، دین همچون روح در جسم باعث تحریک و پویایی است. تمدن درخشان اسلامی با هجرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله). به مدینه النبیه (یثرب). پایه‌گذاری و با نهضت علمی مسلمانان با محوریت قرآن، احادیث نبوی و تعالیم ائمه علیهم‌السلام شکوفا شد. اسلام به‌عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین دین توحیدی، علم و معنویت را به‌عنوان بال‌های عروج و سعادت بشر و حرکت به‌سوی کمال و رسیدن به مقام قرب الهی و تخلق به اخلاق الهی معرفی نموده که بی‌توجهی به هرکدام موجب سقوط و عدم دستیابی به کمال می‌گردد.

علم ابزاری است در اختیار بشر که با کمک دین وظیفه هدایت و روشن نمودن مسیر او را به‌سوی کمال رهنمون می‌سازد. اسلام علم و دین را باهم همسو و هم‌جهت می‌داند.

در اهمیت علم و آگاهی همین بس که خداوند خود را معلم بشر می‌داند و اسماء الهی را به وی تعلیم می‌دهد (بقره: ۳۱). رسالت پیامبرش را با قرائت و تعلیم آغاز می‌کند (علق اتا ۴). یاددهی را در صدر مأموریت وی جای می‌دهد. (بقره: ۵۱). و به قلم که ابراز علم است قسم یاد می‌کند (قلم: ۱). همچنین نه تنها دانایان و نادانان را برابر نمی‌داند (زمر: ۹). بلکه دانایان را علو مرتبه می‌بخشد (مجادله: ۱۱). چرا که نتیجه علم صحیح چیزی جز خشیت در برابر خداوند نخواهد بود (فاطر: ۲۸).

رسول خاتم (صلی الله علیه و اله). نیز علم‌آموزی را برای همه کس (طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة). در همه وقت (اطلب العلم من المهد الی اللحد). و همه جا (اطلبو العلم و لو بالصین). لازم می‌داند و نگاه محبت‌آمیز به چهره عالم را عبادت می‌شمارد. با این توصیف مسلماً هیچ دینی به‌اندازه اسلام، تأکید بر علم و علم‌آموزی نداشته و این دلیلی روشن بر سازگاری علم و دین می‌باشد. اسلام سفارش می‌نماید که علم را برای تقرب به ذات مقدس خداوند تحصیل کنید، در صدر اسلام برجسته‌ترین دانشمندان در آغاز حافظ قرآن بودند و در مرحله بعد بر احادیث تسلط داشتند. شکوفایی اولیه تمدن اسلامی مدیون تعالیم ائمه معصومین علیهم‌السلام به‌عنوان منشأ حقیقی علم است و اوج آن در پی تعالیم امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام می‌باشد. اما بعدها انگیزه‌های الهی به انگیزه‌های مادی تبدیل گردی و نتیجه‌اش نزول تمدن اسلامی شد.

پیروزی انقلاب اسلامی با رهبری ولایت‌فقیه به‌عنوان نایب امام زمان (عج). سرآغاز فصل جدیدی در جهان شد، این انقلاب دارای رویکرد جهانی بوده و با توجه به تحول‌خواهی و علم محوری رهبران انقلاب اسلامی ساخت دنیای جدیدی را نوید می‌دهد.

مقام معظم رهبری در پیام به کنگره عظیم حج در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۱۷ پیروزی انقلاب اسلامی در ایران را اولین و مهم‌ترین مرحله تحقق تمدن نوین اسلامی می‌دانند. اگرچه آفاق و ژرفای تمدن نوین اسلامی به‌طور شایسته در مراکز دانشگاهی و محافل پژوهشی و علمی مورد توجه قرار نگرفته اما به نظر می‌رسد همه شعارها، اهداف و گفتمان‌های انقلاب اسلامی از قبیل: حفظ کیان اسلام، صدور فرهنگ انقلاب اسلامی، تشکیل امت واحده و جامعه جهانی اسلام و ... در راستای گفتمان نوسازی تمدن اسلامی باشد.

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در خصوص نقش آمیختگی علم و دین در پیشرفت و تمدن می‌فرمایند: «در جهان بینی ما، علم از دل دین می‌جوشد و بهترین مشوق علم، دین است. دینی که ما می‌شناسیم، جهان بینی دینی‌ای که ما از قرآن می‌گیریم، تصویری که ما از آفرینش و از انسان و از ماوراءالطبیعه و از توحید و از مشیت الهی و از تقدیر و قضا و قدر داریم، با علم سازگار است؛ لذا تولیدکننده و تشویق‌کننده علم است. نمونه‌اش را شما در تاریخ نگاه کنید؛ ببینید حرکت علمی در قرون اولیه اسلام بر اثر تشویق اسلام آن‌چنان اوج گرفت که تا آن روز در دنیا بی‌سابقه بود- در همه زمینه‌ها- و علم و دین باهم آمیخته و ممزوج بود و دانش و تحقیق و فن در حد خود پیشرفت کرد.» (۸۳/۹/۲۶).

با عنایت به ممزوج بودن علم و دین در اسلام لذا دشمن در پی جدایی آن‌هاست، معظم له می‌فرماید: «دشمن علی‌القاعده دو تا کار را برای دانشگاه ما برنامه‌ریزی می‌کند: یکی علم‌زدائی، یکی دین‌زدائی؛ از دانشگاه علم‌زدائی بشود، از دانشگاه دین‌زدائی بشود (۱۳۹۰/۶/۲).

علم بدون ایمان و تدین اخلاقی انسان را از حیوان پست‌تر می‌نماید که نمونه‌های آن در طول تاریخ حیات بشر شاهد بوده و هستیم، جنایت‌هایی از قبیل بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی، نسل‌کشی و سرکوب ملت‌های بی‌دفاع فلسطین، بحرین، یمن و سوریه، همه حاصل پیشرفت علم بدون اخلاق و دین می‌باشد. از طرفی دیگر دین بدون علم باعث انحراف اعتقادی می‌گردد، شاهد آن شکل‌گیری گروه‌های منحرفی نظیر وهابیت، داعش می‌باشد که ابزاری در دست دشمنان اسلام برای تخریب چهره دین حقیقی شده‌اند.

ضرورت دارد با تحقیق و بررسی دقیق رابطه علم و دین، سازگاری و منافع فراوان همراهی آن‌ها را برای سعادت بشر تبیین نموده و تاثیر مثبت آن‌ها در نوسازی تمدن اسلامی مورد پژوهش قرار گیرد. علم نافع و تدین اخلاقی می‌تواند جامعه اسلامی را از انحراف و انحطاط نجات دهد و زمینه رشد و پیشرفت را فراهم نماید. این پژوهش به شناسایی مؤلفه‌های مؤثر علم نافع و تدین اخلاقی در نوسازی تمدن اسلامی کمک خواهد کرد و به متولیان و سیاست‌گذاران سطوح راهبردی نظام اسلامی در فهم مسئولیت و وظیفه خطیر خود در راستای تحقق این هدف مقدس یاری خواهد رساند. آگاهی مسئولین از آینده‌ای که

خود می‌توانند زمینه تحقق آن را فراهم نمایند از اهمیت بالایی برخوردار است، ترسیم آینده محتمل و ممکن با رویکرد آرمان‌گرایی واقع‌بینانه زمینه‌ساز عملیاتی نمودن این تکلیف می‌باشد فهم و به‌کارگیری علم نافع و تدین اخلاقی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، سبب ایجاد هوشمندی راهبردی در سطح کلان خواهد شد.

با عنایت به تأکیدات مقام معظم رهبری در سیر تکامل نظام اسلامی توجه ویژه به نوسازی تمدن اسلامی به‌عنوان گفتمان برتر و غالب معظم له انجام چنین پژوهش‌هایی را ضروری نموده است و غفلت از آن خصوصاً در محیط‌های دانشگاهی و علمی با توجه به رشد شتابان علم و فناوری آسیب‌های جبران‌ناپذیری را متوجه نظام اسلامی کرده ضمن عقب‌ماندگی و غافلگیری ضریب خطای راهبردی را افزایش می‌دهد.

سؤال اصلی این مقاله به این نکته توجه کلیدی داشته و به دنبال آن است که با ترکیب دو اصل علم نافع و دین توحیدی در سیر تکوین تمدن نوین اسلامی چگونه می‌توان موجبات هم‌افزایی و اعتلای تمدنی را فراهم و تدین اخلاقی چه کارکردی را در این ترکیب ایفا می‌کند؟

با عنایت به مقدمه بیان‌شده فرض بر آن است که علم نافع و دین توحیدی و تدین اخلاقی، برخلاف فضا‌سازی تبلیغاتی غرب برای القائات نادرست درباب تعامل علم و دین، فراهم‌ساز بستر تمدن نوین در جامعه امروز و فردای بشر می‌باشد و به نظر می‌رسد که این دو تاثیر بسیار مثبتی در نوسازی و تجدید بنای تمدن اسلامی دارند.

### مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

توحید مهم‌ترین اصل از اصول دین اسلام، بلکه ادیان ابراهیمی به شما ر می‌آید و در لغت به معنی یکی دانستن خداوند و در اصطلاح علم کلام، یگانه دانستن و یکتا شمردن حق تعالی است و در نقطه مقابل آن شرک به خداوند است که گناهی نابخشودنی می‌باشد.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «اسلام دین توحید است و توحید یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هرکس به‌جز خدا؛ یعنی گسستن بندهای سلطه نظام‌های بشری، یعنی شکستن طلسم ترس از قدرت‌های شیطانی و مادی، یعنی تکیه به اقتدارات بینهایتی که خداوند در نهاد انسان قرار داده...» (۶۹/۳/۱۰). شهید مطهری (ره). سرآمد باورهای دینی و ریشه همه معنویات را ایمان به خدا می‌داند. (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۵۱). «توحید محوری به معنای نفی غیر خدا در عقیده و عمل از اصلی‌ترین ارزش ادیان توحیدی است. اعتقاد به خداوند یکتا از بنیادی‌ترین اصول دین مبین اسلام

محسوب می شود به طوری که بیشترین تلاش پیامبر (ص). برای برقراری جامعه ایی توحیدی بوده است.» (سند تحول راهبردی علم و فناوری، ۱۳۸۸: ۱۳).

«در نگاه توحید محور و هدفمند آخرت گرا، تحصیل دانش برای انسان هم حق و هم تکلیف است. از سوی دیگر بر اساس اندیشه اسلامی، ایمان و عمل صالح قرین با علم مورد تأکید است. به گونه ای که شناخت بر پایه علم و جهت دهی آن به عهده ایمان است و عمل به یافته های علم، ؟ دانش و ایمان را باور می سازد. هر سه این امور ریشه در فطرت انسان دارد و هدف از آن ها کمال و تعالی انسان و حرکت وی به سوی خداست. به موجب این علم هدایتگر و نافع هنگامی که در دست افراد متعهد قرار گیرد موجب نجات بشریت می گردد، جهان را از فساد و تباهی نجات خواهد بخشید» (همان: ۱۲).

### ۱- علم نافع

دانش را می توان به نافع و غیر نافع تقسیم کرد، در کلام امام علی (ع). آمده است: در عملی که سودی نداشته باشد خیری نیست و از دانشی که شایسته دانستن نیست نفعی برده نمی شود ( نهج البلاغه، نامه ۳۱). در تعقیب نماز عصر از علم غیر سودمند به خدا پناه می بریم. (مفاتیح الجنان، تعقیبات نماز عصر).  
 نبی اکرم (ص). فرمودند: «نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ هُوَ الْعِلْمُ الَّذِي يُضَادُّ الْعَمَلَ بِالْإِخْلَاصِ وَ اعْلَمُ أَنْ قَلِيلَ الْعِلْمِ يَحْتَاجُ إِلَى كَثِيرِ الْعَمَلِ لِأَنَّ عِلْمَ سَاعَةٍ يُلْزِمُ صَاحِبَهُ اسْتِعْمَالَ طُولِ عُمُرِهِ» پناه می برم به خدا از علم بی ثمر؛ و آن علمی است که متضاد با عمل مخلصانه می باشد. بدان که علم، اگرچه اندک باشد، محتاج عمل بسیاری است؛ چون علم یک لحظه، صاحبش را ملزم می کند که در تمام طول عمرش بدان عمل نماید.» (بحار الأنوار، ج ۲: ۳۲).

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه ها می فرمایند: «علم نافع؛ علمی که به نفع کشور باشد.» (۱۳۹۰/۶/۲). هدف از علم این است که نفع برساند. باید علم برای مردم نافع باشد؛ از برکات آن علم بایستی استفاده کنند (همان).

همچنین در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی فرمودند: «علم مجرد و به تنهایی هم کافی نیست؛ علم را باید وصل کنیم به فناوری، فناوری را باید وصل کنید به صنعت، و صنعت را باید وصل کنیم به توسعه ی کشور. صنعتی که مایه ی توسعه و پیشرفت کشور نباشد، برای ما مفید نیست؛ علمی که به فناوری تولید نشود، فایده ای ندارد و نافع نیست...» (۱۳۸۵/۱/۱).

مقام معظم رهبری علم امروز دنیای غرب را علمی خطرناک می داند که در خدمت جنگ، خشونت، فحشا و سکس، تجاوز و خونریزی و استعمار ملت هاست و می فرمایند اسلام علم در خدمت انسانیت، عدالت، صلح و امنیت را توصیه می نماید (۸۶/۶/۱۲).

حضرت آیه... جوادی آملی علم نافع را این‌گونه تعریف می‌نماید: «علم نافع دانشی هویت‌ساز است و علم غیر نافع دانش هویت برانداز. علمی که برای ساختن سلاح‌های شیمیایی و کشتار جمعی فتنه و آشوب باشد هویت برانداز است. دانش در عالم کم نبوده و نیست قبل و پس از اسلام علوم فراوانی بوده و هست. دانش هویت برانداز نه عامل صعود است و نه سزاوار فراگیری. علم غیر نافع تعلیم و تعلم آن نیز شایسته نیست. علم اگر به مرحله عمل نرسد در حد کلیات بماند نظیر عالم بی‌عمل است و بی‌ثمر و منفعت می‌باشد و هویت‌بخش نیست.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۰).

سند راهبردی علم و فناوری کشور نیز علم نافع را این‌گونه تعریف نموده است: «علم نافع دانشی است که موجب فایده در زندگی فردی اجتماعی بشر می‌شود و زمینه را برای زندگی مطلوب فراهم می‌کند. علمی که طریقی برای حل مشکلات و رفاه زندگی است. در مورد این علم نیز روایاتی وارد شده است که در آن‌ها به ماهیت گستردگی حوزه‌های دانش مفید و تعیین برخی از حوزه‌های خاص و سیاست راهبردی انتخاب علم مفید اشاره شده است. با توجه به معیار علم نافع می‌توان آن را شامل فناوری نیز دانست.» (سند تحول راهبردی علم و فناوری، ۱۳۸۸: ۱۷).

## ۲- تدین اخلاقی

واژه شناسان اخلاق را جمع خلق دانسته و خلق و خلق را به سجیه و خوی معنا کرده‌اند لذا علم اخلاق به معنای دانش بد و نیک‌خوی‌ها و علم معاشرت با خلق است (ستوده، ۱۳۸۳: ۷۶).

«تمام حقیقت این است که اخلاق از مقوله عبادت و پرستش است. انسان به همان میزان که خدا را ناآگاهانه پرستش می‌کند، ناآگاهانه هم یک سلسله دستوره‌های الهی را پیروی می‌کند. وقتی که شعور ناآگاهش تبدیل به شعور آگاه بشود - که پیغمبران برای همین آمده‌اند - آن وقت دیگر تمام کارهای او می‌شود اخلاقی، نه فقط همان یک عده کارهای معین؛ غذا خوردن او هم می‌شود یک عده کارهای معین؛ خوابیدن او هم می‌شود یک کار اخلاقی، یعنی وقتی برنامه زندگی ما بر اساس تکلیف و رضای حق تنظیم شد، آن وقت خوردن ما، خوابیدن ما راه رفتن ما، حرف زدن ما و خلاصه زندگی و مردن ما یکپارچه می‌شود اخلاق، یعنی یکپارچه می‌شود کارهای مقدس: آن صلاتی و نسکی و محیای و مماتی الله رب العالمین همه چیز می‌شود الله و همه چیز می‌شود اخلاق.» (مطهری، ۱۳۸۷: ۳۸۷).

دعوت انسان‌ها به فضایل اخلاقی و عمل صالح و مبارزه با فساد بزرگ‌ترین خدمت ادیان توحیدی و پیامبران به تمدن بوده است. ادیان الهی همیشه بشر را به آنچه خیر و صلاح است فراخوانده و از تعدی و تجاوز نهی می‌نمایند. پیامبران الهی به‌عنوان معلمان جامعه بشری دعوت خود را از مبدأ و معاد که زیربنای

همه خوبی‌ها و نیکی‌ها است آغاز کرده و انسان‌ها را به فضایل اخلاقی بشارت داده و از رذایل بازداشته‌اند.

آنچه به فضایل مورد دعوت و بشارت انبیاست و تمدن بشری را به پیش سوق می‌دهد زیاد است: صداقت، عدالت، امانت، محبت، وفای به عهد، راستی و درستی، انفاق، اصلاح امور خلق و خدمت به آن‌ها، تزکیه و خودسازی که همگی مورد تاکید انبیاست. و آنچه که به رذایل مربوط می‌شود مردم را از انجام آن برحذر داشته‌اند از جمله: خیانت، ظلم، کم‌فروشی، دزدی، فساد و فحشاء (ولایتی، ۱۳۸۱: ۳۲۴).

مهم‌ترین عامل موفقیت یک تمدن به این است که بتواند بیشترین تعداد افراد و جوامع را با خود همراه سازد. لازمه این مهم برخورداری از ویژگی‌های است مهم‌تر از همه، توان نفوذ در دل‌هاست. این مهم تنها از طریق عقلانی بودن اندیشه میسر نمی‌شود. اسلام ضمن آنکه کاملاً عقلانی است و نخبگان را ارضا می‌کند، برای عموم مردم هم جذابیت دارد. در طول تاریخ نیز توده مردم بیشتر مجذوب این بعد از اسلام شدند. عموم مردم نه از طریق استدلال، بلکه بیشتر با ملاحظه رفتار کریمانه و مهربانانه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اصحاب و مسلمانان عامل به اخلاق کریمه، مسلمان شدند (وحیدی منش، ۱۳۸۶: ۲۰).

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ.» (آل عمران: ۱۵۹).

مقام معظم رهبری درباره مفهوم تدین می‌فرمایند: «از عرایض من تلقی غلط نشود. تدین به معنای معرفت عمیق دینی، ایمان عمیق و باور ژرف به دین و معارف دینی است، که طبعاً عمل به دنبالش می‌آید؛ باید دنبال این باشیم. این وظیفه‌ی همه است (۱۳۹۰/۶/۲).

ایشان همچنین می‌فرمایند: «در چنین جامعه‌ای، معنویت و اخلاق هم باید به قدر حرکت پیش‌رونده مادی پیش‌رفت کند. دل‌های مردم با خدا و معنویات آشنا بشود. انس با خدا، انس با عالم معنا، ذکر الهی و توجه به آخرت در یک چنین جامعه‌ای بایستی رایج شود. اینجاست که آن خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی، خود را نشان می‌دهد؛ ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت باهم» (۸۵/۸/۲۰).

### ۳ - آینده‌نگاری

«آینده‌نگاری تلاشی نظام مند برای نگاه به آینده بلندمدت در حوزه‌های دانش، فناوری، اقتصاد، محیط زیست و جامعه است که با هدف شناسی فناوری‌های نوظهور و تعیین آن دسته از بخش‌هایی که سرمایه گذاری در آنها سودهای اقتصادی و اجتماعی بیشتری دارد انجام می‌شود. در واقع آینده‌نگاری یعنی آمادگی برای آینده و یعنی به کاربرد منابع موجود به بهترین وجه ممکن در راستای ارزش‌ها» (بنیاد توسعه فردا، ۱۳۸۴: ۲۵).

« آینده‌نگاری به‌عنوان بخشی از تفکر استراتژیک است که برای فراهم‌سازی امکان گسترش استنباط‌هایی برای گزینه‌های استراتژیک قابل وصول به کار می‌رود. آینده‌نگاری نگاهی وسیع‌تر از چشم‌انداز استراتژیک دارد و تصور امروز ما را از آینده تغییر می‌دهد. هدف آینده‌نگاری «فراهم ساختن قابلیت هشدار زود هنگام» تا «ایجاد وفاق عمومی» را در بر می‌گیرد.» (همان: ۲۷).

بن مارتین<sup>۱</sup> بریتانیایی آینده‌نگاری را این‌گونه تعریف کرده است: «آینده‌نگاری تحقیقات فرایند تلاشی نظام مند به منظور نگاه به آینده بلندمدت علم، فناوری، اقتصاد و جامعه است، با هدف شناسایی حوزه‌های تحقیقات راهبردی و فناوری‌های عام نوظهوری که ممکن است به بیشترین منافع اقتصادی و اجتماعی منجر گردند.» (یونیدو، ۱۳۸۷: ۱۲).

#### ۴ - تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین گفتمان‌هایی است که توسط رهبر اندیشمند انقلاب اسلامی، به‌عنوان بلندترین آرمان امت اسلام ارائه شده است، آرمانی که ملت ایران با انقلاب اسلامی سنگ بنای آن را نهاد. سخن گفتن از بازآفرینی و تجدید بنای تمدن اسلامی که مبتنی بر تفکر دینی ناب و تدین عمیق و همه‌جانبه مسلمانان روشن‌اندیش و برخاسته از بیداری اسلامی است، برافراشتن بیرقی امیدبخش و نشاط آفرین در برابر تمدن غرب است (ذوعلم، ۱۳۸۷: ۲۶۵).

مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۱۴ ضمن بیان آرمان نظام اسلامی تمدن اسلامی را نیز تعریف می‌نمایند: «آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه کرد. تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.»

همچنین رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در دیدار جوانان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳ پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی دانسته و هدف ملت ایران و انقلاب اسلامی را ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌داند. معظم له در همین دیدار می‌فرماید تمدن نوین اسلامی دو بخش دارد، یک بخش ابزاری که می‌توان آن را بخش سخت‌افزاری دانست از قبیل علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ که همه وسیله‌اند، دیگری بخش



حقیقی، نرم افزاری و اصلی تمدن است که همان سبک زندگی، متن زندگی، عقل معاش و فرهنگ زندگی است.

### چارچوب نظری

از آنجا که هیچ بحث و تحقیقی بدون پیش فرض و ذهنیت سابق شکل نمی گیرد و از آن رو که پیش فرض های سابق دو گونه اند یا پیش فرض های عامیانه و غیر مستند و غیر قابل دفاع هستند و یا پیش فرض هایی منسجم و آکادمیک، پس در هر پژوهشی مبانی نظری تحقیق در اصل پیش فرض هایی منسجم، منطبق و علمی هستند که نظریه پردازان سابق در موضوع بدان وارد شده و راه را برای تأمل در یک موضوع هموار می سازند. در مباحث بیان شده زیر به ارتباط بین مفاهیم اصلی و تمدن نوین اسلامی پرداخته شده تا پژوهش را پشتیبانی نظری نماید.

### ۱- تفاوت تمدن وحی محور و تمدن تک ساحتی غرب

دستیابی به رفاه مطلق مادی هدف تمدن تک ساحتی غرب است اما تمدن اسلامی برجانبه های مادی به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف متعالی انسانی تأکید دارد. امام خمینی (ره). ضمن تأکید بر دو بعدی بودن اسلام می فرماید: «مکتب اسلام یک مکتب مادی نیست، یک مکتب مادی و معنوی است. مادیت را در پناه معنویت اسلام قبول دارد. معنویات، اخلاق، تهذیب نفس، اسلام برای تهذیب نفس آمده است.» (صحیفه نور: ۱).

تمدن اسلامی با داشتن ویژگی های بسیار برجسته، جایگاه متمایزی را در میان تمدن های گذشته و کنونی به خود اختصاص داده است. تمدن اسلامی، تمدنی است که تار و پود آن را باورهای دینی و معنوی تشکیل داده اند؛ در اندیشه مقام معظم رهبری، خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی، آن است که مردم آن جامعه با معنویت و خدا آشنا هستند.

در حالی که دنیای متمدن غربی، امروزه به دنبال عنصری می گردد که به تعبیر رهبری، عنصر گمشده بشریت است. و آن چیزی جز معنویت نیست. در مجموع اهمیت به علم امری پسندیده است و در دنیای غرب نیز به علم اهمیت داده می شود اما این تمدن با معنویت به جنگ برخاسته است. اگرچه جهان امروز شاهد پیشرفت چشمگیر دنیای غرب در زمینه علم و تکنولوژی است، اما در عین حال آن ها روز به روز به وجه معنوی زندگی بشری بیشتر خسارت می زنند. رهبر معظم انقلاب معتقدند که دنیای به ظاهر متمدن غربی که در حال حاضر از اوج توانایی و اقتدار برخوردار است، روزی به خاطر همین عنصر گمشده به حقیض ذلت خواهد افتاد. لیکن نظام اسلامی می خواهد این عنصر گمشده را از تمدن و حیات بشری به محیط زندگی بشر برگرداند (خرمشاد، ۱۳۸۷: ۶).

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی). در دیدار کارگزاران نظام می‌فرمایند: «نظام‌های سرمایه داری تمدن غرب به دنبال آبادی، عمران و پیشرفت علم و صنعت در کشورهای شان رفتند بدون اینکه به آرمان‌های معنوی از جمله عدالت اجتماعی، اهتمام قابل‌اعتنایی داشته باشند. خیلی از آن هدف‌ها... مانند کسب علم، زندگی راحت، فناوری پیشرفته، زندگی لوکس و... قدرت نظامی... به دست آمد... اما در زندگی شان سعادت‌مند نشدند... نتوانسته‌اند راحتی حقیقی، آرامش روحی و زندگی خوش به وجود آورند... اکنون گرفتاری‌های زندگی مادی، گریبان آن را گرفته است دلیل آن این است که به معنویت و عدالت اجتماعی توجه نکرده است» (۷۴/۹/۲۹).

در مقابل، در چارچوب تمدن توحیدی معظم له می‌فرمایند: «جامعه باید هم از لحاظ مادی و هم معنوی، پیشرو باشد... به نحوی که در آن علم و تجربه و فناوری در سطوح بالا قرار بگیرد... در چنین جامعه‌ای ضروری است که معنویت و اخلاق به قدر حرکت پیش‌رونده مادی و حتی بسیار فراتر از آن پیشرفت کند و دل‌های مردم با خدا و معنویات آشنا و انس با خدا و عالم معنا، ذکر الهی و توجه به آخرت در آن رایج شود» (۸۵/۸/۲۰).

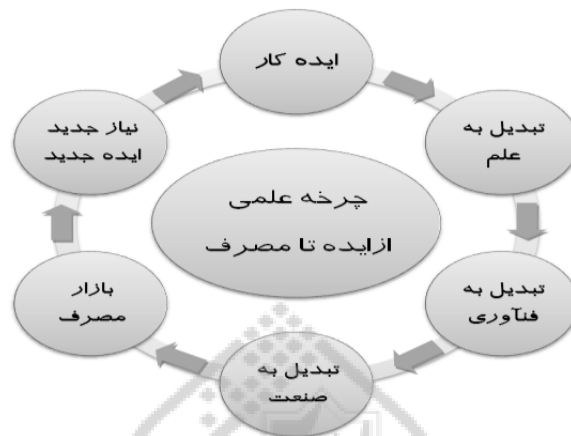
از حیث نظری و فکری بحث ترکیب آرمان‌های معنوی و مادی انسان در تمدن توحیدی، بحثی ریشه‌ای و علت‌محور است. نگاه ترکیب‌گرایانه و اتصالی به آرمان‌های معنوی و مادی انسان، معلول متنافر ندیدن و متضاد نیافتن «تمدن» و «تدین» در روند تمدن توحیدی است و این حقیقت به قدری روشن و عیان است که نیازمند توضیح نیست.

## ۲- منظومه علمی کشور و چرخه ایده علمی تا مصرف

**منظومه علمی کشور** (باید منظومه علمی ما یک منظومه‌ی درست و صحیحی باشد؛ که حالا این نقشه‌ی جامع علمی، متعهد و متکفل این کار است. منظومه‌ی علمی کشور باید یک منظومه کامل باشد؛ معلوم بشود ما چه نیاز داریم، به چه اندازه نیاز داریم، تناسب بین بخشهای مختلف علمی چگونه است... البته اجرای نقشه جامع علمی مهمتر از تهیه نقشه است...، اما این باید اجرائی بشود. راه اجرائی شدن هم در خود نقشه دیده شده. چندین برابر تلاشی که برای تهیه نقشه شده، باید برای اجرائی شدنش به کار برود. این کار اساسی و مهمی است که اگر این شد، آن وقت منظومه‌ی کامل علمی در کشور تهیه خواهد شد...) (بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰/۶/۲).

**چرخه‌ی ایده‌ی علمی تا مصرف** «یکی هم مسئله‌ی چرخه‌ی ایده‌ی علمی تا مصرف است؛... ایده‌ی کار علمی در ذهن نخبه شکل می‌گیرد، بعد تبدیل می‌شود به علم، بعد تبدیل می‌شود به فناوری، بعد می‌آید می‌شود صنعت، بعد می‌آید توی بازار مصرف. باز خورد آن در بازار مصرف، باز تولید ایده می‌کند. این

چرخه باید همین طور استمرار پیدا کند. این، همکاری دولت و دستگاه‌های صنعتی و دستگاه‌های مدیریتی و دستگاه‌های دانشگاهی را لازم دارد و بایستی انجام بگیرد.» (همان). رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در سال ۱۳۸۵ فرمودند: «علم مجرد و به تنهایی هم کافی نیست؛ علم را باید وصل کنیم به فناوری، فناوری را باید وصل کنیم به صنعت، و صنعت را باید وصل کنیم به توسعه کشور. علمی که به فناوری تولید نشود، فایده‌ای ندارد و نافع نیست.» (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱/۱/۱۳۸۵).



شکل شماره ۱: چرخه ایده تا مصرف

### علم یعنی اقتدار

«امروز تولید علم، تولید کار، تولید ابتکار، تولید کالا، کالای مورد نیاز مردم، تولید انسان کارآمد، تولید فرصت و تولید عزت، هر کدام از اینها یک جهاد است. مجاهد فی سبیل الله تولیدکننده است؛ باید هم علم را بیاموزیم و هم علم را تولید کنیم. ما باید یک کشور عالم بشویم. در یک روایتی از امیرالمؤمنین نقل شده است که فرمود: «العلم سلطان، من وجده صال و من لم یجده صیل علیه»؛ یعنی علم اقتدار است، علم مساوی است با قدرت؛ هر کسی که علم را پیدا کند، می‌تواند فرمانروایی کند.» (۱/۱/۱۳۸۵).

### ۳- لزوم توأمان علم نافع و ایمان

مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۴/۸/۲۰ در جمع اساتید دانشگاه فرمودند: «باید همواره متوجه باشید تا اخلاق و معنویت در کنار علم قرار گیرد.»

«همان طور که می‌دانید، بدون شک علم پایه تمدن است؛ اما شرط کافی برای یک مدنیّت درست نیست. نتیجه علم منهای ایمان به غیب، همین می‌شود که امروز در دنیا می‌بینید. ببینید امروز علم با همه شرافت و ارزش، در دست جهانخواران و دیوانه‌های زنجیری بین‌المللی به چه تبدیل شده است.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اساتید دانشگاه شهید بهشتی، ۸۲/۲/۲۲).

« اگر دانشگاه ما یک دانشگاه علمی محض باشد، اما تویش دین و اخلاق نباشد، همان بلائی بر سر جامعه‌ی ما و کشور ما و آینده‌ی ما خواهد آمد که بر سر جامعه‌ی دانشمند غرب آمد. غرب جامعه‌ی دانشمندی است، اما جامعه‌ی خوشبختی نیست. در آنجا امنیت اخلاقی نیست، امنیت روانی نیست، انسجام خانوادگی نیست، اخلاق نیست، معنویت نیست. خلأهای عمده‌ی بشر اینهاست. اینها خوشبختی نیست؛ ما این را نمی‌خواهیم. ما خوشبختی می‌خواهیم، ما امنیت حقیقی و معنوی می‌خواهیم. بدون علم نمی‌شود، با علم بدون دین هم نمی‌شود؛ دین لازم است. جامعه باید جامعه‌ی دینی باشد؛ در رأس آن هم دانشگاه است. دانشگاه باید دانشگاه متدین باشد. در مفهوم «متدین» از عرایض من تلقی غلط نشود. تدین به معنای معرفت عمیق دینی، ایمان عمیق و باور ژرف به دین و معارف دینی است، که طبعاً عمل به دنبالش می‌آید؛ باید دنبال این باشیم. این وظیفه‌ی همه است، از جمله شما اساتید محترم و... پس یک نکته این بود که ما علم را به همراه ایمان در دانشگاه حفظ کنیم.» (بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۰/۶/۲).

علامه اقبال می‌گوید: «نه تنها می‌توان بلکه باید علم و صنعت غربی را گرفت و فرهنگ و اخلاق و روابط اجتماعی و شیوه زندگی اش را کنارزد بلکه مسئولیت و ایده آل بشریت جمع این دو است.» (نگاهداری، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

**۴- حرکت جامعه و نظام دو جور است:** «حرکت مثبت، حرکت منفی؛ حرکت به سمت عروج و اوج، حرکت به سمت نزول و سقوط. حرکت به سمت اوج این است که جامعه به عدالت خواهی نزدیک شود؛ به دین، رفتار دینی و اخلاق دینی نزدیک شود؛ در فضای آزادی رشد پیدا کند؛ رشد عملی، رشد علمی و رشد صنعتی پیدا کند؛ در بین جامعه، توأسی به حق و توأسی به صبر وجود داشته باشد؛ جامعه روزبه‌روز در مقابل دشمنان خدا، دشمنان دین، دشمنان استقلال کشور، احساس اقتدار بیشتری بکند، ایستادگی مقتدرانه‌ی بیشتری بکند؛ روزبه‌روز در مقابل جبهه‌ی ظلم و فساد بین‌المللی ایستادگی خودش را بیشتر کند؛ اینها رشد است، اینها نشانه‌ی حرکت مثبت جامعه است؛ دنیا و آخرت یک جامعه را اینها آباد خواهد کرد. ما باید دنبال یک چنین حرکت مثبتی باشیم. اما نقطه‌ی مقابل اینها، یک حرکت به سمت تنزل هم وجود دارد: به جای حرکت به سمت عدالت، حرکت به سمت شکافهای عظیم اقتصادی و اجتماعی با توجیه‌های گوناگون؛ به جای استفاده‌ی از آزادی برای رشد علمی و رشد اخلاقی، لابلایگری و استفاده‌ی از آزادی در جهت فساد و فحشا و اشاعه‌ی گناه و اشاعه‌ی خلاف؛ به جای ایستادگی در مقابل مستکبران، متجاوزان و غارتگران بین‌المللی، به جای اقتدار نشان دادن در مقابل اینها، در مقابل آن‌ها منفعل شدن، احساس ضعف کردن، عقب‌نشینی کردن؛ آنجائی که باید به آن‌ها احم

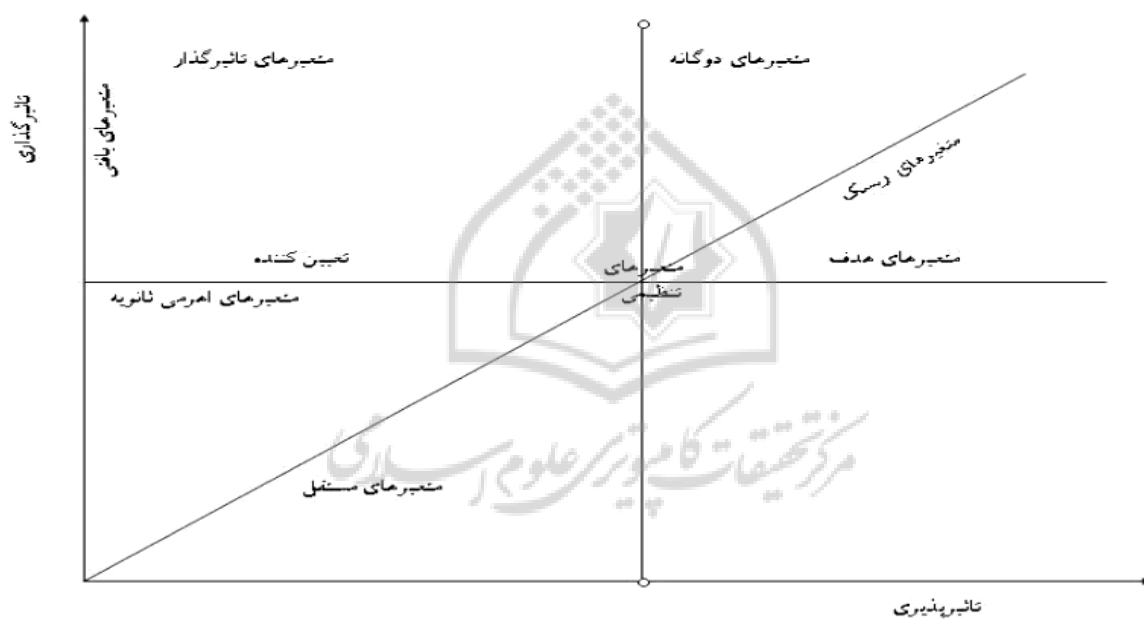
کرد، به آن‌ها لبخند زدن؛ آنجائی که باید بر سر حقوق خود ایستاد، از حقوق صرف نظر کردن - حالا حق هسته‌ای و غیر هسته‌ای - اینها نشانه‌های انحطاط است. حرکت جامعه باید به سمت آن تعالی و آن ارزشها، حرکت به سمت بالا باشد؛ حرکت مثبت باشد.» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۶/۲۰).

## روش‌شناسی تحقیق

آینده‌نگاری مفهومی است که از ناتوانی دانش پیش‌بینی، دانش سیاست‌گذاری، دانش مدیریت استراتژیک در پاسخگویی به چالش‌هایی خاص ظاهر گشته است (ناظمی، غدیری، ۱۳۸۵). در پیش‌بینی، آینده رخ می‌دهد، ولی در آینده‌نگاری، آینده ساخته می‌شود. (مظفری، ۱۳۸۹). آینده‌نگاری تجلی اراده و اختیار آدمی در معماری آینده است که از الگوی هنجاری تبعیت می‌کند به طوری که در آن برنامه ریزی ابتدا به افق آینده مطلوب می‌رود و با حضور در آن دیدگاه بانی حال و گذشته، مسیرهای مشخص برای معماری توسعه از آینده به حال را تعیین و تدقیق می‌کند (طاهری، محسن و نادری خورشیدی، علیرضا، ۱۳۹۳: ۳۲). آینده‌نگاری تلاشی است سیستماتیک برای بررسی آینده بلند مدت علم، تکنولوژی، اقتصاد، محیط و جامعه به منظور شناسایی تکنولوژیهای عام نوظهور و همچنین حوزه‌های زیربنایی تحقیقات استراتژیک که شاید بیشترین منافع اقتصادی و اجتماعی را در پی خواهند داشت (علی احمدی و قاضی نوری، ۱۳۸۲). «روش نرم‌افزار میک مک جهت انجام محاسبات پیچیده ماتریس متقاطع طراحی شده است. روش این نرم‌افزار بدین گونه است که ابتدا متغیرها و مؤلفه‌های مهم در حوزه مورد نظر را شناسایی کرده و سپس آن‌ها را در ماتریسی مانند تحلیل اثرات وارد نموده و میزان ارتباط میان این متغیرها با حوزه مربوطه توسط خبرگان، تشخیص داده می‌شود. متغیرهای موجود در سطرها بر متغیرهای موجود در ستون‌ها تأثیر می‌گذارند. پس بدین ترتیب متغیرهای سطرها، تأثیرگذار و متغیرهای ستون‌ها، تأثیرپذیر می‌باشند.» (زالی، ۱۳۸۸: ۷۰).

میزان ارتباط با اعداد بین صفر تا سه سنجیده می‌شود. عدد «صفر» به منزله «بدون تأثیر»، عدد «یک» به منزله «تأثیر ضعیف»، عدد «دو» به منزله «تأثیر متوسط» و در نهایت عدد «سه» به منزله «تأثیر زیاد» می‌باشد. بنابراین اگر تعداد متغیرهای شناسایی شده  $n$  باشد، یک ماتریس  $n \times n$  به دست آمده که در آن تأثیرات متغیرها بر یکدیگر مشخص شده است (آسان ۲۰۰۷). این ماتریس به دست آمده را می‌توان با نمودار متناظر آن نیز نمایش داد که در آن نمودار جهت تأثیرگذاری هر گروه بر دیگری توسط «بیکان‌ها» و میزان تأثیرگذاری به صورت عددی، در بالای آن بیکان، نمایش داده می‌شود. و نهایتاً براساس توپولوژی متغیرها این نرم‌افزار قادر است به رتبه‌بندی و استخراج عوامل کلیدی اقدام کند.

با یک روش بسیار ساده، می‌توان دریافت که تأثیر مستقیم متغیرها با در نظر گرفتن تعداد گره‌های ارتباطی در ماتریس تشکیل شده، قابل سنجش است. متغیری که تنها بر تعداد محدودی متغیر دیگر اثر مستقیم دارد، بر قسمت محدودی از سیستم نیز تأثیر می‌گذارد. به همین ترتیب، تأثیرپذیری مستقیم یک متغیر را نیز می‌توان با در نظر گرفتن ستون مربوطه در ماتریس، بررسی نمود. بنابراین به صورت منظم مجموع عددهای هر سطر، نشان دهنده تأثیرگذاری متغیر مربوطه و مجموع عددهای هر ستون، نشان دهنده تأثیرپذیری متغیر مربوطه است. پس کلیه متغیرها و محیط در بر گیرنده آن‌ها را می‌توان با نمایش آن‌ها در یک نمودار مفهومی یا یک محور مختصات (تأثیرگذاری - تأثیرپذیری). نمایش داد (زالی، ۱۳۸۸: ۸۷).



نمودار شماره ۱: نمودار تأثیرگذاری - تأثیرپذیری (زالی، ۱۳۸۸: ۸۷).

### تجزیه و تحلیل

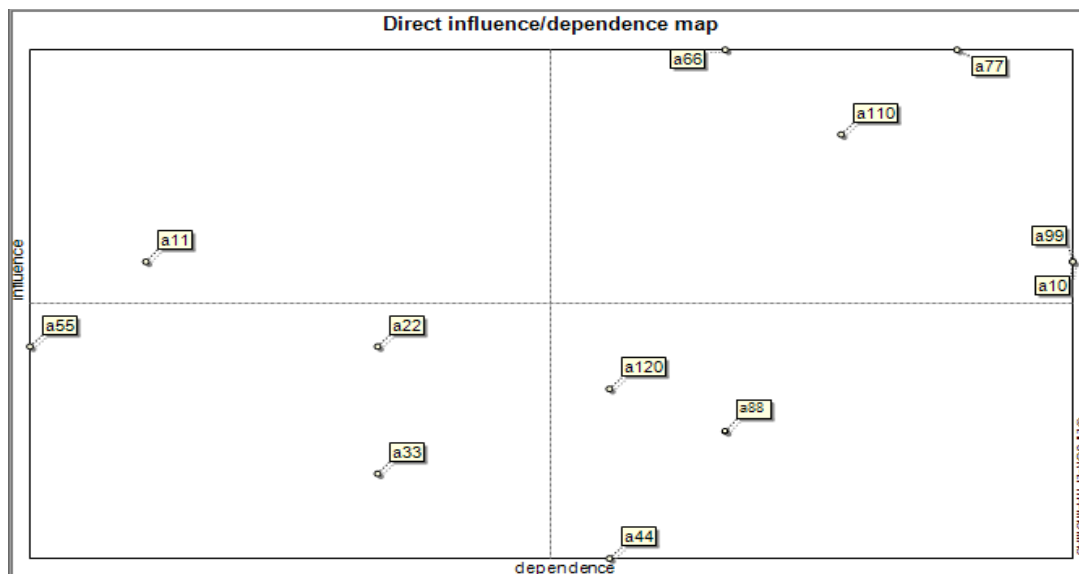
ادبیات تحقیق و چارچوب نظری این تحقیق به منظور شناسایی مولفه‌های کلیدی مؤثر بر تکامل تمدن نوین اسلامی در دو حوزه علم نافع و تدین اخلاقی به‌عنوان پیش‌رانه‌های اصلی، با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری و همچنین سایر کتب، مقالات و منابع کتابخانه‌ای تدوین گردید. با ملاحظه‌ی ادبیات پژوهش و همچنین مصاحبه با نخبگان، مولفه‌های اساسی مورد شناسایی قرار گرفت و در کل ۴۸ مولفه احصاء گردید، سپس این ۴۸ مولفه با طراحی پرسشنامه‌ای در اختیار ۱۶ نفر از خبرگان تخصصی حوزه مربوط قرار گرفت تا اولاً: اهمیت، میزان و قدرت پیش‌برندگی هر یک از آن ۴۸ مولفه را در نوسازی تمدن اسلامی در قالب طیف لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم). مورد قضاوت قرار دهند.

ثانیا: رابطه، نقش و نوع پیش برندگی هر کدام از مولفه ها را در سه حالت ( ۱- غیر مرتبط ۲- تقویت کننده و توانمندساز ۳-متوقف کننده). با موضوع مشخص نمایند. در جمع بندی پرسشنامه های تکمیل شده توسط خبرگان، مشخص گردید که از ۴۸ مولفه، ۱۲ مولفه توانمندساز دارای اهمیت و تاثیر خیلی زیاد و نقش تقویت کننده و توانمندساز در نوسازی تمدن اسلامی را دارا می باشند. آنگاه این مولفه های مهم و استراتژیک در ماتریس تحلیل اثرات وارد گردید تا میزان ارتباط آن ها با موضوع، توسط همان ۱۶ نفر از خبرگان تشخیص داده و با دادن عدد «صفر» به منزله «بدون تاثیر»، عدد «یک» به منزله «تأثیر ضعیف»، عدد «دو» به منزله «تأثیر متوسط» و در نهایت عدد «سه» به منزله «تأثیر زیاد» قضاوت نمایند. لذا ماتریس تحلیل اثرات متقابل (مقاطع). شناسایی شده، یک ماتریس با ابعاد ۱۲×۱۲ بود که این ۱۲ مؤلفه در جدول زیر نشان داده شده اند.

جدول شماره ۱: ماتریس تحلیل اثرات متقابل (مقاطع). شناسایی شده

ردیف	مؤلفه های کلیدی
A1	تأثیر ایمان و معنویت در تولید علم نافع
A2	تأثیر تدین اخلاقی و علم نافع در پیشرفت و امنیت
A3	تعامل فعال با جهان اسلامی و پیشگامی برای تولید علم مورد نیاز نوسازی تمدن اسلامی
A4	تقویت جریان اطلاعات علمی و فناوری نوین با مجامع دانشمندان در سطح بین المللی با اولویت کشورهای اسلامی
A5	ایفای نقش مؤثر چرخه ی علم و فناوری بر رفاه اقتصادی
A6	ضرورت توجه به علم و تبدیل آن به گفتمان اصلی کشور
A7	تأثیر علم نافع بر تولید قدرت و عزت سیاسی
A8	تأثیر تدین اخلاقی و علم نافع بر تولید ثروت خیرخواهانه و عدالت محور
A9	تأثیر تدین اخلاقی بر منفعت و خدمت رسانی بیشتر علم
A10	تأثیر تحقق کامل زنجیره ی علم و فناوری در مسیر تمدن نوین
A11	تأثیر علم نافع بر رشد فضایل و تدین اخلاقی
A12	دستیابی به علوم و فناوری های نوین و نافع متناسب با اولویتها، نیازها. مزیت های کشور

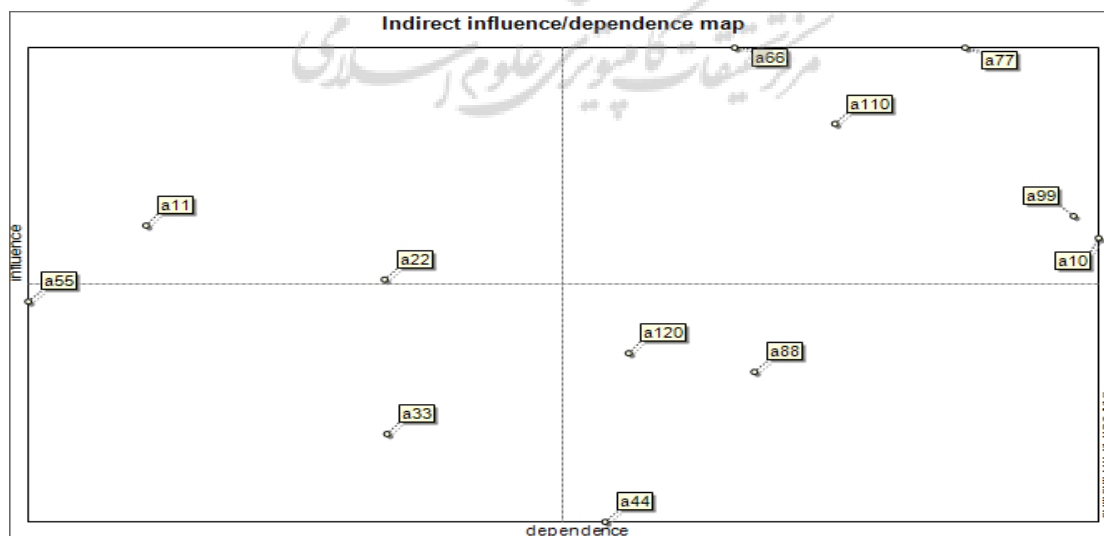
نتایج نشان می دهد که در کل  $144 = (12 \times 12)$ . اثر ممکن وجود دارد. بنابراین در کل  $132 = 144 - 12$  رابطه عددی وجود خواهد داشت که یکی از ارزش های صفر، یک، دو و یا سه را به خود می گیرند. ماتریس بر اساس شاخص های آماری با ۲ بار چرخش داده ای از مطلوبیت و بهینه شدگی ۱۰۰ درصد برخوردار بوده که حاکی از روایی بالای پرسشنامه و پاسخ های آن است. نمودار زیر نقشه پراکندگی متغیرها و جایگاه آن ها در محور تأثیرگذاری - تأثیرپذیری مستقیم نشان می دهد.



نقشه پراکندگی متغیرها و جایگاه آن‌ها در محور تأثیرگذاری-تأثیرپذیری مستقیم

تحلیل تأثیرات غیرمستقیم متغیرها در همدیگر

در این روش هر کدام از روابط متغیرها توسط نرم‌افزار به توان‌های ۲ و ۳ رسیده و بر این اساس اثرات غیرمستقیم متغیرها سنجیده می‌شود. آنچه که از مقایسه نتایج تحلیل اثرات مستقیم و غیرمستقیم به دست آمده این است که صرفاً چند شاخص محدود، اثرات غیرمستقیم فراوانی بر سیستم دارند و رده‌بندی عوامل کلیدی را تحت تأثیر قرار داده‌اند.



نقشه پراکندگی متغیرها بر اساس اثرات غیرمستقیم و جایگاه آن‌ها در محور تأثیرگذاری-تأثیرپذیری

از میان ۱۲ مولفه بررسی شده چند مولفه اصلی به‌عنوان عوامل کلیدی مؤثر بر شکل‌دهی تمدن نوین اس انتخاب گردید. پس از تحلیل عوامل و روابط تأثیرگذار آن‌ها از طریق نرم‌افزار میک، برای



شناسایی عوامل یا روندهای اصلی که آینده سازمان را رقم خواهند زد، باید علاوه بر تاثیرات مستقیم، به تاثیرات غیر مستقیم هم توجه داشت (بلالی، ۱۳۹۱: ۳۱). در ادامه عوامل کلیدی شناسایی شده‌اند.

جدول شماره ۲: عوامل کلیدی تأثیر پذیر (مستقیم و غیرمستقیم). و انتخاب عوامل کلیدی نهایی

ردیف	عوامل کلیدی تأثیر پذیر (تأثیر مستقیم).	عوامل کلیدی تأثیر پذیر (تأثیر غیرمستقیم).	مشترک با تأثیر گذار
۱	A1	A10	-----
۲	A10	A1	A1
۳	A7	A7	A7
۴	A11	A11	A11
۵	A6	A8	A6

با توجه به جدول بالا در نهایت ۴ مولفه کلیدی به عنوان عوامل نهایی مؤثر بر تکوین تمدن نوین اسلامی شده‌اند. این عوامل عبارت اند از:

- A1 (تأثیر ایمان و معنویت در تولید علم نافع).
- A7 (تأثیر علم نافع بر تولید قدرت و عزت سیاسی).
- A11 (تأثیر علم نافع بر رشد فضایل و تدین اخلاقی).
- A6 (ضرورت توجه به علم و تبدیل آن به گفتمان اصلی کشور).

### نتیجه گیری

خروجی نرم افزار نشان می دهد که از ۱۲ مولفه ماتریس که همگی بر اساس نظر خبرگان از اهمیت خیلی زیاد برخوردار بوده و نقش تقویت کننده در تحقق تمدن نوین اسلامی داشتند، ۴ مولفه (۱- تأثیر ایمان و معنویت در تولید علم نافع ۲- تأثیر علم نافع بر تولید قدرت و عزت سیاسی ۳- تأثیر علم نافع بر رشد فضایل و تدین اخلاقی ۴- ضرورت توجه به علم و تبدیل آن به گفتمان اصلی کشور). به عنوان عوامل کلیدی نهایی شناسایی شدند که تأثیر گذار و تأثیر پذیری بالایی داشتند. به گونه‌ای که هم قابل مدیریت بود و هم تأثیر پذیری بیرونی بیشتری دارند. نتایج نشان می دهد تدین، معنویت و اخلاق بر تولید علم نافع اقتدار ساز (قدرت خدا محور)، تولید ثروت خیرخواهانه، نوآوری های کمال آفرین، پیشرفت عدالت ساز تأثیر زیاد گذاشته و این رابطه متقابل است.

نتیجه می گیریم تمدن نوین اسلامی می تواند بر اقتدار علمی، فناوری های نوین، چرخه مستمر علم و دانش، گسترش و صدور علم و فناوری (پیشرفت همه جانبه مادی و معنوی). متکی باشد. اخلاق به علم سمت و سوی انسانی می دهد هرچه در علم، اخلاق و خضوع و خشوع باشد نفع و تکثیر آن بیشتر

خواهد بود و این علم کمال آفرین و هدایت بخش است. بنابراین پیشنهاد می‌گردد اخلاق و ارزشهای اسلامی در محیط‌های علمی نفوذ داده و تقویت گردد. بررسی و تحلیل تمدن‌های گوناگون نشان می‌دهد که علم و پیشرفت همراه تدین و اخلاق از مهم‌ترین عوامل ماندگاری همه ی تمدن‌ها در طول تاریخ بوده است. علم با محصولات متنوع خود و با افزایش سطح جذابیت، تولید ثروت و منفعت رسانی را در جامعه نهادینه می‌نماید، ایدئولوژی هم در خیرخواهی، حق جویی، عدالت محوری و ایثارگری انسان را یاری کرده و مسیر تحقق و ارتقاء تمدن و فرهنگ مقوم آن را پشتیبانی می‌نماید. تدین اخلاقی مبتنی بر توحید محوری، اخلاق الهی، مقاومت، مسئولیت پذیری اجتماعی دینی و ایجاد تفاهم در تحقق جامعه ی فاضله، از طرف دیگر علم نافع مبتنی بر تولید ثروت، قدرت، عدالت سازی، محرک پیشرفت، هم زنجیره با فناوری، متکی بر خودباوری و خود اتکایی، مرز شکن و انحصار ساز جهانی می‌باشد.

هر تمدنی باید بداند به چه کسی و از چه طریقی خیر و منفعت برساند، علم نافع در واقع ابزاری برای تولید و انتقال منفعت است، آمیختگی علم و اخلاق سبب تولید منفعت انسانی می‌شود و الا علم بدون اخلاق نه تنها نافع نبوده بلکه جهل تنوریزه شده است که نتیجه ای جز انحراف و بی دینی در پی نخواهد داشت. تدین و اخلاق به علم سمت و سوی هدایت گری و آخرت گرایانه داده و سبب ایجاد روحیه حقیقت جویی، مسئولیت پذیری و تقدم مصالح عمومی بر منافع فردی خواهد شد. علم نافع در راستای اهداف الهی، خدمت به مردم و موجب تولید قدرت امنیت ساز، شوق آفرین و پیشرفت می‌گردد و البته علم بدون اخلاق سبب انحراف و فساد می‌گردد. تمدن نوین اسلامی باید بتواند به انسان سرگشته و سرخورده از تمدن تک ساحتی غرب علاوه بر آسایش، آرامش هم بدهد و این میسر نخواهد شد مگر در آمیختگی تدین، معنویت و ارزشهای متعالی اسلام و اخلاق دینی با علم نافع، چون در ماندگی تمدن مادی غرب به خاطر تهی بودن از اخلاق و معنویت می‌باشد و به همین دلیل جز آسایش آن هم برای گروهی خاص آرامش را برای انسان به ارمغان نیاورده است.

نتایج فوق فرضیه تحقیق را اثبات نمود که علم نافع و معنویت و اخلاق عوامل اصلی پیشرفت همه جانبه و تکوین تمدن نوین اسلامی می‌باشند همانگونه که شکوفایی اولیه تمدن اسلامی مرهون آمیختگی این دو بوده است. لذا پیشنهاد اساسی به همه، پاسداری از این دو عامل و حفظ شتاب علمی کشور همراه با تقویت بنیه اعتقادی اخلاقی و معنوی دانشجویان و فضاهای علمی کشور است.

## منابع

### الف) فارسی

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، نامه ۳۱، ترجمه دشتی.
- حضرت امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۷
- امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری قابل دسترسی در سایت الکترونیکی [www.Khamenei.ir](http://www.Khamenei.ir)
- بحارالانوار، جلد ۲
- بنیاد توسعه فردا ( ۱۳۸۴)، روش‌های آینده‌نگاری تکنولوژی، تهران.
- مفاتیح‌الجنان، تعقیبات نماز عصر
- زالی، نادر (۱۳۸۸) آینده‌نگاری توسعه منطقه ای با رویکرد برنامه ریزی سناریو مینا، رساله دکتری، دانشگاه تبریز
- زالی، نادر ( ۱۳۹۰)، آینده‌نگاری راهبردی و سیاست گذاری منطقه ای با رویکرد سناریونویسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره چهارم،
- ذوعلم، علی (۱۳۸۵)، تجربه و کارآمدی نظام ولایی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ پنجم.
- خرمشاد، محمد باقر (۱۳۸۷)، «دانشگاه تمدن ساز اسلامی - ایرانی در آینه آرا و اندیشه‌های امام و رهبری»، دفتر اجتماعی و مطالعات فرهنگی
- جوادی آملی (۱۳۸۸)، «علم نافع و هویت ساز»، فصلنامه اسراء، شماره ۱.
- ستوده، محمد (۱۳۸۳)، «اخلاق و سیاست بین الملل»، علوم سیاسی، س ۷، شماره ۲۶.
- سند تحول راهبردی علم و فناوری (۱۳۸۸).
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، بیست گفتار، صدا، چاپ ۳۳
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷) مجموعه آثار، صدا، جلد ۲۲.
- طاهری، محسن و نادری خورشیدی علیرضا (۱۳۹۳)، «آینده‌نگاری منابع انسانی در ناجا با استفاده از روش تلفیقی سناریونویسی و تحلیل اثرات متقاطع»، نشریه علمی - ترویجی ناجا، سال نهم، شماره

- نگاهداری، بابک (۱۳۹۰)، *مولفه‌های پیشرفت و توسعه در اسلام*، تهران، نشر راه دانش.
- ولایتی، کریم (۱۳۸۱)، *نقش دین در ایجاد و تداوم تمدن*، نشریه ادبیات علوم انسانی تبریز
- وحیدی منش، حمزه علی، اسفند (۱۳۸۶)، *عناصر تمدن ساز دین اسلام*، نشریه معرفت، شماره ۱۲۳، موسسه امام خمینی (ره).
- همتی علیرضا، حاجیانی ابراهیم (۱۳۹۳)، «*مروری بر الگوهای روش تحلیل تاثیر متقابل و معرفی الگویی با منطق همبستگی*»، سومین همایش ملی آینده پژوهی، تهران
- ویل دورانت (۱۳۷۳)، *لذات فلسفه*، ترجمه عباس زریاب جزی، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ هشتم.
- یونیدو (۱۳۸۷)، *نرم‌افزار راهنمای آینده‌نگاری فناوری*، موسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.

#### (ب) لاتین

- Asan , S.S and Umut , A. (2007 ) Qualitative Cross –impact analysis with time consideration , Technological forecasting and social change , Vol 74 , PP.627-644

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی